

دوره نهم تقفیه

جلسه ۱۰۸

صورت مشروح

# مذاکرات مجلس

(چون مذاکرات اول در دستور)

پنجشنبه اول آذرماه ۱۳۱۳ - ۱۱ شعبان ۱۳۵۳

شماره مسلسل : ۲۵۲

قیمت اشتراك ( شامله ) : داخله : ۲۵۰ ریال / خارجه : ۳۰۰ ریال / تاج شماره : دو ریال

.....  
طبعة مجلس

# مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز پنجشنبه اول آذر ماه ۱۳۱۳ هـ ( ۱۴ شهریور ۱۳۵۳ )

## فهرست مذاکرات

- (۱) تصویب صورت مجلس  
(۲) تقدیم دو فقره لایحه از طرف آقای کفیل وزارت معارف  
(۳) شور و تصویب لایحه اصلاح قانون انحصار وراثت
- (۱) شور و تصویب لایحه ضم این به ول قهری  
(۲) رونق و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

( مجلس يك ساعت و ربع قبل از ظهر برپاست آقای دادگر تشکیل گردید )

صورت مجلس روز پنجشنبه ۲۴ آبان ماه را آقای مؤید احمدی ( منشی ) قرائت نمودند

- [ ۱ - تصویب صورت مجلس ]  
رئیس - در صورت مجلس نظری نیست ؛ ( گفته شد -  
خبر ) صورت مجلس تصویب شد . آقای کفیل وزارت معارف  
[ ۲ - تقدیم دو فقره لایحه از طرف آقای کفیل  
وزارت معارف ]  
کفیل وزارت معارف ( آقای حکمت ) - دو فقره لایحه  
است که امروز تقدیم مجلس شورای ملی میکنم یکی راجع  
است به آموزگاران مدارس ابتدائی قراء و نصیبات زیرا  
که وزارت معارف در نظر دارد که حتی المقدور در دهات
- و نقاطی که جنبه فلاحتی دارد دروس فلاحتی بدهد برای  
تربیت این معالین محتاج باین بودیم که قانونی از مجلس  
بگذرد زیرا که برای آموزگاران مدارس شهرها يك  
قانونی در سینه ماضیه گذشته به موجب قانون تربیت معلم  
برای آنکه این قانون شامل حال آنها هم بشود يك لایحه  
ایست تقدیم میکنم موضوع دیگر راجع است به مسائل مربوطه  
به اوقاف که بموجب قانون مدنی و قانون مصوب ۲۸  
شعبان يك تکالیفی از برای وزارت معارف معین شده ولی

این مذاکرات مشروح بکمیرو هشتمین جلسه از دوره نهم تقابله ( مطابق قانون ۵ آذر ماه ۱۳۱۳ )  
دایره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده :

غائبین بی اجازه - آقایان : دیرمهرایی - خواجری - مرآت اسفندیاری - طوی سبزواری - مرتضی قلیخان یات - دبستانی کرمانی  
اعظم زنگه - اسفندیاری - امامی غوثی - دکتر ادهم - اعتبار - بونس آقا و عاب زاده - شریعت زاده - کورس - هراز - مدلل - هدایت  
پور مرتضی .  
دیرآمدگان بی اجازه - آقایان : دکتر امیر اعظم - اسدی - لطفانی - مودثانی - طهرانی - نیک پور - محمد آخوند جرجانی  
مهودی خراسانی - یات هاگو .

آنها چون مبهم است و لازم بود که در بعضی مواقع تکلیف وزارت معارف روشن باشد توضیحی لازم بود برای آنها لایحه تقدیم میشود و در این موضوع اولیای مخصوصاً میخواستیم از مقام ریاست خواهش کنیم که علاوه بر کسب و معارف سایر آقایان هم که علاقه مند باین امور هستند شرکت کنند در مشورت و نظریاتی که داشته باشند به کسب و معارف معارف تشریف بیاورند و اظهار کنند.

[ ۳ - شور ثانی و تصویب لایحه اصلاح قانون انحصار وراثت ]

رئیس - خبر شور ثانی لایحه راجع به تکمیل قانون انحصار وراثت از کسب و معارف رسیده است فرائض میشود:

خبر کسب و معارف

کسب و معارف قوانین عدلیه لایحه نمره ۱۸۳۴۸ دولت راجع به تکمیل قانون انحصار وراثت را برای شور دوم با حضور آقای وزیر عدلیه مطرح نموده و پیشنهادات آقایان نمایندگان را نیز که در موقع شور اول داده شده بود تحت ملاحظه قرار داده و ماده واحده را بطریق ذیل تنظیم و برای تصویب مجلس مقدس شورای ملی تقدیم میدارد.

ماده واحده - در ماده ذیل بعنوان ماده ۱۳ و ماده ۱۴ بقانون تصدیق انحصار وراثت مصوب ۱۴ مهر ماه ۱۳۰۹ اضافه میشود:

ماده ۱۳ - امین صلح یا حاکم بدایتی که وظیفه صلحیه را انجام میدهد در صورتیکه مدرک استشهادنامه بوده و هویتش شهود با انتساب امضاء با مهر بمناسب الیه در نزد محکمه معلوم نبوده و با مفاد شهادت مجمل و مبهم باشد شهود را احضار کرده و شهادت آنها را استماع کند.

چنانچه شاهد در خارج از مقر محکمه ساکن باشد تحقیق از شاهد بوسیله محکمه محل اقامت شاهد یا نزدیکترین محکمه محل اقامت شاهد بعمل خواهد آمد.

در تصدیق انحصار وراثت امین صلح یا حاکم بدایت باید سبقی را که مستدعی یا مستدعیان تصدیق یا موثرت خود دارند و همچنین نسبت سهم الارث آنها را از متروکات بنحو اشاعه معین نماید.

اصلاح شد و اصلاح خوبی هم بود ظاهراً از این جهت اعتراضی نسبت ولی در موقعی که این اصلاح میشد يك اصلاح دیگری هم شد و در کسب و معارف هم موافقت شد و در جزء لایحه گنجانده شد بعد که شب لایحه را آوردند و بنده کاملاً وقت کردم عقیده ام این است که آن فید آخر چندان لازم نباشد اگر موافقت کنند آقایان و آقای وزیر عدلیه هم موافقت بفرمایند که آن فید اخیر حذف شود بهتر است و آن فید اخیر این است که چنانچه شاهد در خارج از مقر محکمه ساکن باشد تحقیق از شاهد بوسیله محکمه محل اقامت شاهد یا نزدیکترین محکمه محل اقامت شاهد بعمل خواهد آمد - يك اصل کلی هست در محاکم که آقای وزیر عدلیه هم در کسب و معارف فرمودند که در اقامه شهود معمول است که در دعوی جزائی کلیتاً و در دعوی حقوقی هم بعضی اوقات هست که اگر شهود در محل دیگری هستند محکمه که مطلب در آنجا مطرح است ممکن است آن را رجوع کند به محکمه که مقر شهود است مثلاً فرض بفرمایید که شهود اگر در تبریز هستند رجوع میکند به محکمه که در تبریز است آنوقت استماع شهود میکند و نتیجه را باین محکمه خبر میدهد این عملاً هست و تا امروز هم معمول بوده است بنده این ملاحظه را داشتم در خصوص این لایحه که اگر این فید را بکنیم ممکن است که برای قضات يك ملاحظه در موارد دیگر پیدا شود که شهود را مراجعه نکنند به مقر شهود اگر تردیدی نشود عیبی ندارد و به عقیده بنده چندان لازم نیست چنانچه وزارت عدلیه هم اول همین عقیده را داشتند که چون عمل همین است اگر تردیدی در سایر مواقع برای قضات نشود عیبی ندارد ولی اگر تردید میشود آنوقت باید ما این را حذف کنیم که اگر ما این را قید کنیم آنوقت قضات در يك موارد دیگری ممکن است در نظر بگیرند که حتماً باید شهود را در محکمه که دعوی مطرح است احضار کنند این را خوب است که يك توضیحی بدهند که دیگر موجب تردید نشود چون قانون کلی این است که شهود را در محل اقامت خود احضار میکنند این قسمت باید حذف شود این يك اعتراض بنده - یکی هم راجع بماده ۱۴ بود که در

کسب و معارف هم عرض کردم در مسئله انحصار وراثت بدو که از تصویب مجلس گذشت و دولت لایحه ای را آورد و تقدیم مجلس کرد نظر اساسی این بود که يك وقت يك مالی از کسی در پیش کسی هست يك بانك یا يك صراف و آن شخص مرده است و حالا آن شخص میخواهد آن مال را بورقشانی رد کند یعنی دین یا امانت ثابتی است میخواهد رد کند آنوقت او میتواند انحصار وراثت بخواند اصل کلی این است و اگر به موجب قانون تقاضای انحصار وراثت شد و سه ماه اعلان شد و معترضی هم پیدا نشد آن شخص که با تاجر است یا بانك یا شخص دیگری آن دینی را که دارد رد میکند و این انحصار وراثت نتیجه اش این است که ذمه آن شخص بری میشود ولی آن وراثت و اشخاصی که خودشان را وارث قلمداد کرده اند و سه ماه هم گذشته است و تصدیق هم گرفته اند ذمه آنها بری نمیشود برای این که ممکن است وقتی يك نفری پیدا شود و اثبات کند در محکمه و خودش را وارث بداند و حق خودش را از اینها بگیرد و بگیرد من احد وراثت بوده ام و حاضر نبودم حالا آمده ام حاضر شده ام باید حقم را بگیرم این دعوی را میشود در محاکم ایراد کرد و تصدیق انحصار وراثت جلوگیری نمیکند و عقیده ام این است که عمل هم اینطور بوده است فقط اعلان انحصار وراثت در سه ماه جلوگیری نمیکند که او بیاید در هر موقع دعوی کند و حق خودش را دریافت کند - این يك اصل مسلمی است حالا در ماده ۱۴ این قانون مینویسد: هرگاه تقاضای تصدیق انحصار وراثت برای تقدیم اظهار نامه ثبت املاک و با بطور کلی مربوط بامور مذکور در ماده ۷ بعمل آید تقاضا کننده باید تصدیقی از اداره ثبت مشعر بر لزوم اثبات انحصار وراثت تحصیل کرده و به تقاضا نامه خود ضمیمه نماید. در اینصورت امین صلح یا حاکم بدایت اعلان مذکور در ماده ۳ را با اداره ثبت محل ارسال میدارد تا جزء اعلانات ثبت منتشر شده و مخارج اعلان نیز مثل اعلانات ثبت محسوب گردد. آنجا در ماده ۷ هست که البته آقایان اجازه بفرمایند که ماده ۷ را قرائت کنم مفاد ماده ۷ این

است و نهاد مواد فوق در موردی نیز باید رعایت شود که اداره ثبت اسناد و املاک برای صدور سند مالکیت و یا تبدیل ملک که بنام متولی ثبت شده است باس وراثت یا وراثت او با برای هر مقصود دیگری از تقاضا کننده سند مالکیت و یا تبدیل و غیره تصدیقی برای وراثت و عدم وراثت بخواد این ماده در موردی که شخص متولی مالکی را تقاضا کرده و موقع اعتراض هم گذشته است ولی اداره ثبت اسناد میخواهد باس وراثت ورقه مالکیت بدهد این هیچ اشکالی ندارد البته این اعلان هم جزء همان اعلانات میشود ولی در موقعی که اظهار نامه برای ثبت ملک میدهد آنوقت اداره ثبت اسناد الزام میکند که انحصار وراثت بیاورند آنوقت می آیند اعلان میکنند و این اعلان هم ضمیمه میشود. در اعلانات ثبت اعلان میکند که تا نود روز اگر کسی نباید اعتراض کند حقیقت ساقط است و در این جا اگر این اعلان هم رفت جزء اعلانات ثبت و در آخر اعلان هم تصریح کرد اداره ثبت اسناد که اگر تا نود روز کسی نباید حقیقت ساقط است آن وقت آن اصل کلی بهم میخورد سه ماه دیگر اگر کسی بیاید یا چهار ماه دیگر اگر کسی بیاید که من احد وراثت در يك موقعی دیگر نه تا آن مدتی که اعتراض پذیرفته میشود آنوقت محاکم پذیرند این است که در اینجا بنظر بنده يك مشکلی پیش می آید آروز هم در کمیسیون عرض کردم و آقای وزیر عدلیه هم توضیحاتی دادند ولی حقیقت بنده قانع نشدم بعلمت این که در این مورد آن اصل کلی بهم میخورد و اسباب زحمت است در صورتیکه حقیقت مطابق اعلان انحصار وراثت حق اشخاص نباید ازین برود و این جا ممکن است يك شخص دیگری هم بعداً بیاید و خود را یکی از وراثت معرفی کند و بخواد دعوی کند و محاکم قبول نکنند.

**وزیر عدلیه (آقای صدر) -** در این قسمتها که آقای دیبا بیان فرمودند در کمیسیون هم خیلی مذاکره شد در قسمت اول بنده خودم هم چندان عقیده داشتم لکن آقایان اعضاء کمیسیون اینطور اظهار کردند و

احتیاط کردند که شاید محکمه در هر موردی شاهد را احضار کند لذا این قید را در خبر اضافه کردند بنده هم موافقت کردم که این نکته را قید کنند و این قید نکته به عمل محاکم وارد نمیکند و ممکن است که لفظ میتواند یا ممکن است در این جا اضافه شود بهتر از سابق میشود در هر صورت بودنش ضروری بجائی نمیزند زیرا که عمل محاکم به این بوده است که شاهد را از يك محل دوری احضار نمیکند و این کار را میکنند که به محاکم محل اقامت شهود رجوع میکنند حتی در امور جزائی مستنطاق این جا به مستنطاق يك شهر دیگری رجوع میکنند که يك تحقیقاتی از شهود بکنند و یا تحقیقات محلی که لازم است بعمل آورد و صورت آن تحقیقات را بفرستند این جا ضمیمه دوسیمه این جا بشود در عمل هم فعلاً همینطور است آقایان اعضاء کمیسیون در نظر گرفتند که در این جا هم قید شود و بنده هم موافقت کردم. مسئله دوم که آقای دیبا فرمودند تقریباً یک قدری خارج از این مواد است که آیا تأثیر سند انحصار وراثت چه حد است اگر بعد يك شخص دیگری آمد و ادعا کرد که من اعلان را ندیده ام و نخوانده ام و من هم يك ادعائی بر این مال دارم ظاهر مواد این است که آن شخص دیگر نمیتواند به آن شخص بده کار ادعائی کند و اقامه دعوائی کند زیرا که اگر خودش را وراثت میدانست باید اعتراض کند بر آن اعلان انحصار وراثت و چون در آن موقع اعتراض نکرده دیگر بر آن شخص حقی ندارد این قدر مسلم است يك مورد دیگر هم مسلم است و آن این است که اگر آن اشخاصی که تصدیق انحصار وراثت گرفته اند مالکی را بنام خودشان ثبت کرده اند یا ملك مورثی که ثبت شده است ملك بنام آنها در دفتر املاک ثبت شد البته دیگر تعرض به مالکیت نمیتواند بکنند این هم از قانون انحصار وراثت برمی آید و هم از قانون کلی ثبت که پس از اینکه ملك بنام کسی ثبت شد دیگر کسی تعرض به آن ملك نمیتواند بکند ولی آیا نسبت باموال منقول میتواند یا نه؟ مال منقول کاری به ثبت ملك ندارد آیا میتواند يك وراثتی که بعد پیدا شد

بر يك وراثتی که آمده است و تصدیق انحصار وراثت گرفته است و مالی را گرفته است و برده است و خورده است البته دعوی بکنند یا نه. این قانون منعی ندارد و بهتر هم این است که در این جا این را تکفاییم و بنظر محاکم واکتاف شود که تقیاً و اثباتاً نظری اتخاذ شود. در مورد سوم که فرمودند در موضوع این که تصدیق از اداره ثبت بگیرد از برای انحصار وراثت آنها عرض کردم برای يك تقریبی است و ارفاقی است بحال يك اشخاصی که اعلان انحصار وراثت آنها جزء اعلانات ثبت منتشر میشود که ارزانت تمام شود چون اعلانات ثبت تقریباً ارزانت است و این امر هم چون متعلق به ثبت است مثل اعلان ثبت ملك میماند باید مورد احتیاج را از اداره ثبت بگیرند یعنی محکمه که اعلان انحصار وراثت را میخواهد صادر بکند بداند که این اعلان از برای ثبت ملك است یا برای نظر دیگر که اگر برای ثبت ملك است و مربوط به امور ثبت است اداره ثبت آن اعلانات را بروزنامه هائی که با آنها قرارداد دارد بدهد و برای آنها ارزانت تمام شود و سایر مخارج هم که مطابق ماده هشت تعیین شده است نصف خواهد بود.

**رئیس - آقای مرآت.**

**میرزا موسی خان مرآت -** عرضی ندارم

**رئیس - آقای افر.**

**الرئیس -** البته هر چه قوانینی که محل ابتلاء عموم است ساده تر و واضح تر و آسانتر نوشته شود بحال عموم مفید تر است در اینکه همیشه میگفتیم که ایجاز محل و الطناب محل خوب نیست در ایجاز محل که شکی نیست ولی بنظر بنده الطناب در قانون محل نیست زیرا که اگر بیشتر باشد و اگر مردم از او بهره مند باشند بهتر از این است که مطالب علمی باشد که منحصر باهل دانش و علم است با اینکه همان روز آقای وزیر فرمودند که در ادارات عدلیه معمول است که شاهد را بهمان مراکز رجوع میکنند و اسناد شهود میشود با این حال آروز که در مجلس مطرح شد چندین نفر از آقایان مخالفت کردند برای اینکه از این قسمت اجلاعی نداشته باشند پس چیزی که برای

ما که قانون گذار هستیم اشتباه شود و ضرر کنیم اگر اینطور باشد بهتر است خود این بهترین دلیل است که این توضیحاتی که ما در کمیسیون پیشنهاد کردیم لازم است و اینکه آقای دیبا فرمودند که فرضاً این سطر از عبارت کمتر باشد چاپ قانون مثلاً ارزانت میشود این بسايد موجب شود که ما این توضیح را ندهیم باید فکر کنیم که مردم مواجه میشوند با اینها فقط رؤسای محاکم و وکلای عدلیه تنها مواجه میشوند اکثر مردم مواجه میشوند هر چه واضحتر باشد بهتر است و یقین است وقتی همه دانستند که اگر مطلبی در کرمان مطرح شد برای استماع شهود بهمان کرمان رجوع خواهند کرد نه اینکه در طهران البته بهتر است این را چون آقای وزیر و اوقات فرموده اند حالا هم موافقت بفرمایند و تردیدی در این عبارت نشود بهتر است اما آن اجزائی که آقای دیبا فرمودند در باب قانون ثبت و انحصار وراثت عرض میکنم قوانین فاسخ نشود بحال و قوت خود باقی است و ما نباید تکراری داشته باشیم که چون این در روزنامه ثبت اسناد نوشته میشود و آنجا لفظ نود روز شامل همه اینهاست اسخ قانون انحصار وراثت را نمیتواند مخصوصاً که اینجا تذکر دادند و دو مرتبه نامین شد. هر مطلبی که در قانون انحصار وراثت مندرج بود بر قوت خود باقی است و این قانون هیچ نسخ و تزلزلی وارد نیآورد و جادامی که هست البته همان جور که یادآوری کردند قانون انحصار وراثت برای این بود که بالاخره مدیونین تکلیفشان معلوم باشد و برای همیشه اسباب زحمتشان باشد ولی در مورد ثبت اسناد اگر يك کسی يك مالکی را به ثبت داد چه فرق میکند بنده ملك برادرم را به ثبت بدهم یا ملك آقای اورنگ را آن قانون ثبت اسناد عمومیت دارد هیچ فرق نخواهد کرد که کسی ملك برادرم را به ثبت بدهد یا شخص بیگانه و دوری را بالاخره عقیده بنده این است که آن قانون در جای خودش باقی است و هیچ خالی در آن راه ندارد و این توضیح را بنده لازم میدانم و آن لفظ میتواند هم که آقای وزیر عدلیه فرمودند اگر آن هم

قید شود البته بهتر است قوانین هر چه مشروح تر و واضحتر باشد بهتر است الان بعضی از مواد قانون هست که باجتهاد کشیده بود قوانینی هست که آقای وزیر عدلیه در نظر دارند که اینها را که بیست و پنجسال در معرض آزمایش بود جمع کنند و بیاورند و اصلاحات فانی کنند از سال بیست و هشت تا بحال يك عمری است بالاخره بعضی از اینها باجتهاد کشیده بود و حق هم داشتند و اگر رویه تمیزی که در این چند سال پیش آمد نبود قطعا بدانید که يك اختلافات بین غریبی در بین محاکم پیدا میشد که محکمه طهران این قانون را يك جورى تعبیر میکرد محکمه تبریز يك جور دیگر تعبیر میکرد خراسان جور دیگر البته بهترین ترقیب این بود که آن رویه تمیزی را ملاحظه بفرمایند که بتمیز رفت و تمیز برای اینها يك ترتیبی داد که اشتباه کمتر شود نظایر اینها اتفاق میافتد چه ضرر دارد که قانون اینقدر ساده و روشن باشد که محتاج باین اشکالات نباشد رؤسای محاکم که يك مراتبی را از معلومات طی کرده اند باین اشکالات برخوردند و محتاج بيك دوره اجتهاد نباشند و بنظر بنده باید همیشه طرفدار مشروح قانون بود

**مخبر (عزیز احمدی)** - در لایحه دولت همانطور که آقای وزیر عدلیه توضیح فرمودند يك جمله جمعی نوشته شده بود که محکمه لدی الاقتضا شهود را احضار بمحکمه کند در شور اول این مسئله بحث شد که این لدی الاقتضا ممکن است با اصلاح کنی بردارد بهتر این است که توضیح شود که در چه مواقعی مقتضی هست که اینجا احضار شود و در چه مواقعی مقتضی نیست پیشنهاداتی آقایان دادند و بکمیسیون آمد و در کمیسیون همینطور صلاح دیدند که محلی واضح قانون نوشته شود و با این جمله اخیری که آقای وزیر عدلیه فرمودند و کوبا آقای شریعت زاده هم پیشنهاد فرمودند که کامه میتواند اذکاره شود البته بهتر میشود یعنی در صورتیکه شهود معروف باشند دیگر لازم نیست بمحکمه حاضر شود اگر هويت اینها معلوم باشد امضاء و مهرشان هم مسلم باشد دیگر احضارشان لازم نیست

که دارند یا مدیران جرائد که ارزانتر تمام میشود از این جهت گفته اند جزو آن اعلانات بشود که حق طبعش کمتر شود یکی هم تخفیفی در آخرش قائل شده اند که نصف آنچه که در ماده ۸ مذکور شده از آنها اخذ شود چون در عمل بر خورده اند باشکالاتی که اشخاصی که فقیرند ندارند همین را هم بدهند این است که این را هم تخفیف داده اند نصف کرده اند اشکال آئینی دیبا آن بود که ضمن اعلاناتی که شد ممکن است حق ورثه تخصیص بشود اینطور نیست بدلت اینکه اعلان ثبت هم همینطور است ملکی را که اداره ثبت اعلان میکند که این شخص آمده است میگوید این ملك مال من است تا بود روز این حق اعتراض هست این هم مثل اوچه فرق میکند منتوی این هم وارث است و میخواهد باسم او ثبت کنید جزو اعلان ملك اعلان میشود اگر اعتراضی دارد که میآید اعتراض میکند و اگر اعتراضی ندارد تصدیق انحصار وراثت برای او صادر میشود و ملك هم برای او ثبت میشود از این جهت هم تفاوتی نمیکند.

**ولیس - آقای شریعت زاده**

**شریعت زاده** - بنده نسبت باین ماده درسه مورد نظر داشتم که در مورد آنرا پیشنهاد کرده ام و يك قسمت دیگر را که پیشنهاد نکرده ام لازم میدانم عرض کنم و از لحاظی که بنده حرف میزنم خیلی هم اهمیت دارد و خواستم توجه آقای وزیر عدلیه را باین مطلب معطوف بدارم که حق تقاضای تصدیق انحصار وراثت يك حق اصولی است که از زندگی افراد جامعه ناشی است بنابراین این حق را نمیتواند از لحاظ لزوم تصدیق آن متوقف بر يك امری کرد یعنی متوقف کرد بر تصدیق اداره ثبت دائر بلزوم تصدیق انحصار وراثت باین جهت بنده بر این عبارت اشکال دارم و با نظری که این ماده را تدوین کرده است موافقم از لحاظ تسهیل و ارفاق نسبت بقاضا کننده ها زیرا که این ماده یکی از مقاصد را تأمین میکند که پول اعلان را کمتر بدهند بنا بر این معتقد هستم که بهر منظوری که کسی تقاضای انحصار وراثت بکند باید البته

تقاضایش بذیرفته شود ولو اینکه بمنظور تقاضای ثبت یعنی دادن اظهارنامه باشد فقط مامیکوئیم که امین صالح باید اعلانات را جمع بانحصار وراثت را با اداره ثبت بفرستد و حال آنکه ما اینجا گفتیم وقتی میتواند تقاضای تصدیق انحصار وراثت را بکند در مورد تقاضای ثبت که از اداره ثبت تصدیقی دائر بلزوم این تصدیق بیاورد بنده با این موافق نیستم بایستی بنویسیم بمنظور دادن تقاضای ثبت املاك خود تقاضای انحصار وراثت را به صلاحیه یا محکمه بدایتی که قائم مقام امین صالح است بفرستد و امین صالح مكلف است مطابق تقاضای او بفرستد با اداره ثبت که جزء اعلانات انتشار بدهد. اما بگوئیم که قبل از این تقاضا باید از اداره ثبت تصدیق دائر بلزوم تصدیق انحصار وراثت را بیاورد بنده با این موافق نیستم.

**وزیر عدلیه** - کوبا آقای شریعت زاده توجه باین

نکته فرموده اند و آن این است که تقاضای تصدیق انحصار وراثت وقتی میشود که يك شخصی فوت شده و ورثه از او باقی مانده و آنها یکی از جهات محتاج هستند بگرفتن تصدیق انحصار وراثت از يك مقام رسمی یعنی از يك محکمه. مورد حاجت مختلف میشود يك وقت برای این است که يك طلبی دارند وصول بکنند يك وقت میخواهند اموالشان را تقسیم کنند و میخواهند بین خودشان حرفی نباشد يك وقت جهات دیگر يك وقت هم برای ثبت ملك است ثبت ملك دو حال دارد یا آن ملك ثبت شده بوده بتمام مورث و ثبت نشده بوده اگر شده بوده بالضروره باید در دفتر املاك تبدیل باسم آنها بشود وقتی میخواهند تبدیل بشود بوارث باید مطمئن باشند که اینها همان وراثت حقیقی متوفی هستند که ملك را به نسبت سهم الارث آنها تبدیل کنند در دفتر املاك بکنند آنها پس محتاج میشوند باینکه تصدیق انحصار وراثت بگیرند اگر بگفتند که برای این کار میخواهیم بگیریم و بمحکمه عدلیه مراجعه کردند محکمه عدلیه کاری ندارد که برای چه احتیاجی تصدیق انحصار وراثت میخواهند اعلانات را میدهند بروزنامه ها مطابق عملی که حالا میشود اگر نگفتند محکمه عدلیه که نمیداند برای این کار است که

اعلانات را بفرستد بداره ثبت پس باید آنها بروند از اداره ثبت يك تصدیقی بگیرند که ما برای تبدیل ملك ثبت شده بنام خودمان میخواهیم انحصار وراثتیمان همین باشد و این که این لایحه را دولت در نظر گرفته است و پیشنهاد میکند این است که در حقیقت این يك عمل ثبتی است آن شخصی که ملك بنام او ثبت شده بود مرده و حالا باید بنام اشخاص دیگری ثبت شود چنانچه اگر ثبت شده بود سابقاً این ها بیبایستی اعلانات خود را توسط اداره ثبت منتشر بکنند حالا هم در واقع همان عمل است نهایت این را محکمه میکند. گرچه اعلان تصدیق انحصار وراثت را محکمه میکند ولی عمل عمل ثبتی است و از این جهت که محکمه نمیداند این شخص باید يك تصدیقی از اداره ثبت بگیرد که مثلاً این اعلان برای تبدیل ملك بنام این وراثت است. يك فرض دیگر این است که شخصی فوت شده و ملكی از او باقی ماند ولی ثبت نشده است حالا ورثه در حال دارند. يك وقت بعنوان وراثت میخواهند ملك را ثبت کنند يك وقت بعنوان متصرف بودن. اگر بعنوان تصرف باشد یعنی بگویند فلان ملك را متصرفیم و میخواهیم ثبت کنیم در این صورت در اظهار نامه که اداره ثبت داده می نویسند که این ملك مال است و متصرفیم اداره ثبت کار ندارد و اعلان میکند وقتی که بعنوان متصرف ثبت میدهند تصدیق انحصار وراثت لازم نیست ولی اگر وراثت بنام اینک ما وراثت فلان کسی هستیم بخواهند اعلان ثبت ملك را بنام خودشان بکنند باید تقاضای انحصار وراثت بکنند و ورقه هم بنامشان صادر شود برای اینکه در این مورد بنام متصرف نیست و بعنوان وراثت از مورث است. بجهت اینکه اداره ثبت باید بداند که اینها راسته میگویند وراثت فلان شخص مورث هستند و اگر هستند هم لارشان چه قدر است در این صورت ورثه محتاجند بر اینکه تصدیق انحصار وراثت بگیرند و قبلاً باید محکمه صاحبیه یا ابتدائی اعلانات را منتشر کنند و بعد از صدور تصدیق آنوقت ملك باید بنام آنها ثبت شود. این مورد را هم باید بداره ثبت اظهار کنند و از آنجا تصدیقی بگیرند

و محکمه بدهند و محکمه هم آن اعلانات را بفرستند در ثبت که در آنجا منتشر شود منظور این است که چون این قسمت عمل ثبتی است اینطور در نظر گرفته شد که اعلاناتش برود در اداره ثبت که در واقع دو کار شده باشد و با این توضیحی که عرض کردم نمیدانم که آقای شریعت زاده قانع شدند یا باز اشکالی باقی دارند. اگر دارند بفرمایند تا باز جواب عرض کنم  
بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - پیشنهادات قرائت میشود

**پیشنهاد آقای شریعت زاده:**

پیشنهاد میکنم در قسمت سطر سوم ماده ۱۳ بعد از جمله «هم باشد کلمه» بتواند اضافه شود.

رئیس - آقای شریعت زاده

**شریعت زاده -** اول ماده ۱۳ ووقی که وظیفه امین صالح را تعیین میکند عبارت يك قدری ناراست است و این کلمه «میتواند» در واقع نتیجه و منظور ماده است. این است که بنده این پیشنهاد را تقدیم و این کلمه را اضافه میکنم و گمان میکنم خود آقای وزیر عدلیه هم موافق باشند  
**فکر عدلیه (آقای صدر)** بنده موافقت دارم.

رئیس - پیشنهاد دیگری رسیده.

**پیشنهاد دیگر آقای شریعت زاده**

پیشنهاد میکنم در قسمت اخیر ماده ۱۳ بجای جمله مستدعی یا مستدعیان ثبت نوشته شود نسبت کسانی را که وراثت آنها مورد تصدیق شده.

**شریعت زاده -** بنده استدعا میکنم از آقایان که باین پیشنهاد بنده توجه فرمایند. چون در خبر مصوب کمیسیون ذکر شده که امین صالح در تصدیق انحصار وراثت نسبتی را که مستدعی یا مستدعیان ثبت با مورث دارند معین نمایند. ذکر کردن این مطلب بنظر بنده باین ترتیب صحیح نیست. زیرا ممکن است ورثه متهم باشند و بعضی از آنها تقاضای ثبت کرده باشند در این صورت امین صالح نسبت به کلمه اشخاصی که معین شده باید تصدیق بدهند و حال آنکه این جا منحصر شده به مستدعی

یا مستدعیان ثبت. باین جهت بنده نوشتم کسانی که نسبتشان مسلم و مورد تصدیق است باید نسبت باین ها نوشته شود. آقای وزیر عدلیه توجه فرمودید؟

**وزیر عدلیه -** بلی. این جا مقصود از نسبت نسبت نیست. البته نسبت باید باشد ولی مقصود نسبتی است که سهم الارث باو تعلق میگیرد. مثلاً کسی گفت من خواهر متوفی هستم باید معلوم شود برادر هم دارد یا ندارد. جد یا جده دارد یا نه مقصود این است اگر طبقه اول باشند مثل اولاد که طبقه دوم محرومند و طبقه دوم هم باشد باید بگویند چه نسبت با متوفی دارد و بجهت نسبت وراثت است تکلیف محکمه این است که این مراقب را معین کنند برای اینکه تصدیق باین شخص بدهد. ممکن است این شخصی که تقاضای تصدیق میکند اشخاص دیگری را هم قبول دارد که وراثت هستند ولی باید معین شود که چه اشخاصی هستند و نسبت آنها با مورث چیست تا سهم الارث هر يك و بالتبع سهم الارث مستدعی تصدیق هم معلوم باشد  
**شریعت زاده -** با این توضیح مسترد میدارم.

**رئیس -** نظر آقای مخبر در افزایش کلمه «میتواند» چیست

مخبر - موافقم.

**رئیس -** آقایانی که با ماده واحده با اصلاحی که از طرف آقای شریعت زاده پیشنهاد شد و آقای وزیر و مخبر هم قبول فرمودند. موافقت دارند قیام فرمایند (جمعی قیام نمودند) تصویب شد.

**۴ - شور و تصویب لایحه ضم امین به ولی قهری |**  
رئیس - خبر دیگر کمیسیون قوانین عدلیه راجع به ولی قهری:

خبر از کمیسیون قوانین عدلیه به مجلس مقدس شورای ملی کمیسیون قوانین عدلیه لایحه نمره ۱۸۳۵ دولت راجع به خیانت ولی اجباری را برای شور دوم با حضور آقای وزیر عدلیه مطرح نموده و پیشنهادات آقایان نمایندگان را نیز که در موقع شور اول پیشنهاد شده بود تحت مطالعه قرار داده و ماده واحده را بطریق ذیل اصلاح و اینک

برای تصویب مجلس شورای ملی تقدیم میدارد  
ماده واحده - ولی قهری (پدر یا جد) هر گاه در مقام اتلاف مال صغیر یا مجنون یا سفیه باشد بعد از ثبوت خیانت او نسبت با اموال مولی علیه بطرفیت مدعی العموم در محکمه مثل مورد ماده ۷۹ قانون مدنی حاکم يك نفر امین به ولی منضم میکند

رئیس - آقای میرزائی

میرزائی - در مواد عرض دارم

یکی از نمایندگان - يك ماده بیشتر نیست ماده واحده است.

**میرزائی -** خواستم عرض کنم شخصی اموالی را صلح میکند بيك بنده از صفار و در تحت اختیار ولی اجباری او قرار میدهد که از هر جهت رتی و قتی اموالی که متعلق به صغیر یا صفار است اداره کند و در همان صلح نامه قید میکند که احدی غیر از ولی اجباری حق مداخله در این اموال نخواهد داشت خواستم ببینم که این قانون آن شرط را هم متزلزل میکند یا خیر؟

**وزیر عدلیه -** نظر آقایان غالباً معطوف میشود به جنبه ضعیف مطلب و درش حرف میزنند. نظر دولت بطور کلی این است وقتی به صغیری مال یا دارائی میرسد. بهر طریق که باشد با مادرش مرده یا کسی دیگری مرده و از او ارث رسیده به صغیر. بهر صورت وقتی صغیری دارای اموالی میشود و يك پدر دارد یا يك جد که میتواند يك اقدامات کیف مایشائی در اموال او بنمایند. البته حکمت این که پدر یا جد ولی قهری هستند و کسی نمیتواند یا آنها حرف بزند این است که آنها دلسوز هستند و نمی خواهند مال اولادشان تلف شود ولی اگر يك فردی این قدر شقی شد که این دلسوزی را نکرد و مال صغیر را هم حیف و میل کرد این جا البته دولت که در واقع جنبه قیومیتش بر افراد بیش از همه کسی است در نظر دارد که این مال محفوظ بماند. حالا اگر يك موردی اتفاق افتاد که خود پدر یا جد مالی را به صغیر صلح کرده اند و خودشان هم ولی هستند و هم صلح کننده اینجا مثل

اینکه قدری مشکل است بوجدانها که بگوئیم اگر کسی مالی را بکسی صلح کرد و خودش هم ولی بود بآن ضم امین کنیم ولی حق این است که بکنیم زیرا اگر نمیخواست چرا صلح کرد و اگر میخواست منزلت باشد يك حق اختیار فسخ برای خودش باقی میکشاست ولی هیچ کار نکرده و مال به صفر صلح کرده حالا بعد میخواهد بخورد حالا مال دیگری است هیچ فرقی ندارد با اینکه این مال را صفر از جای دیگری تحصیل کرده باشد بملاوه جنبه ضعیف مطلب را نباید در قانون ملاحظه کرد و جنبه دیگر را باید فکر کرد این که کسی صلحی به صفر کند و در صلح نامه هم قید کند که کسی بار حقی نداشته باشد اینها فروض بسیار نادری است.

رئیس - آقای مرآت

**میرزا عوسی خان مرآت** - بنده راجع به مؤسسه که متصدی کارهای قیومیت است خواستم به آقای وزیر عدلیه تذکر بدهم چون محل ابتلای مردم است. این مؤسسه فعلی برای اینکار خیلی کوچک است حقیقتاً در سال یا ماه سه چهار نفره کار باین مؤسسه رجوع میشود برای قیومیت و غالباً بواسطه عدم توسعه یا عدم اختیار کارهای مردم بقدری در بونه اجمال می ماند که غالباً اصل تر که از بین میرود با می پوسد و خراب میشود. گرچه برای آقای وزیر عدلیه خیلی مشکل است یعنی پسندیده است که در بعضی مخارج امساک بفرمایند ولی در این مؤسسه اگر خرجی شود و توسعه پیدا کند این يك چیزی است که لازم است و خواستم خدمتشان تذکر بدهم تا تسبیح که متصدی این امر است اضافه کنند و آن قسمت را توسعه بدهند تا بتواند از عهده بر آید.

**وزیر عدلیه** - مطلبی را که آقا تذکر دادند از مدتی باین طرف مورد توجه بنده بوده است و يك اقداماتی هم شده است ولی اینکه میفرمایند در سال یا در ماه سه چهار دوسه یا دو رجوع میشود در ماه یا صد دوسه باین شعبه رجوع میشود و در سال خیلی بیشتر و چهار هزار دوسه هم از پیش بوده است و الآن هم این شعبه خیلی خوب

**مخبر کمسیون قوانین عدلیه (آقای مؤیداحدی)** - اگر چه تقریباً نطق آقای افسر موافق بود با اصل لایحه و خواستند جواب آقای میرزائی را بدهند و فرمودند اگر در صلحنامه هم شرط کرده باشد که کسی حق نظارت و دخلت نداشته باشد حق عمومی بر این شرط وارد است همانطوری که در قانون اوقاف هم قید شده ممکن است در وقف نامه نوشته شده باشد که بحساب و اوقف هیچ کس حق رسیدگی ندارد ولی حق عمومی حق میدهد بدولت که بحساب او رسیدگی کنند اگر چه همچو شرطی هم شده باشد. از این جهت گمان میکنم دیگر حرفی نباشد زیرا آقا وقتی مالی مال صفر یا همچون یا سفیه شد چه فرقی میکند که از مادرش رسیده باشد یا از پدرش یا بوسیله صلح یا به از غیر وقتی مالی مال صفر شد باید حفظ شود و اگر ولی خینتی در آن مال کرد باید ضم امین کرد.

رئیس - آقای شریعت زاده

**شریعت زاده** - اگر چه بنده نظر خودم را پیشنهاد کرده ام ولی خواستم عرض کنم که این قانون یکی از قوانین بسیار خوب است زیرا اگر صفری تحصیل مالی میکند نباید حمایت از او سلب شود در صورتی که ولی قهری هم در سدد ائلاف مال او بر آمد یا خواست بی ربط خرج کند قانون با بالاخره مقتضین باید حمایت حقوق صفر را هم در این مورد پیش بینی کنند و قانون برای جلوگیری از اعمال ولی و حفظ مال صفر ضم امین را حکم کرده و نظری که بنده داشتم این است که بعد از ضم امین چون دو نفر هستند منعلق حکم میکند که يك چنین شخصی که خیانت کرده و مطابق قانون بآن ضم امین شده در موردی که بین این دو نفر اختلاف در رسیدگی امور صفر میشود در این صورت قطع اختلاف کی خواهد بود بنده در این باب نظری داشتم که پیشنهاد کرده ام.

**وزیر عدلیه** - بنده تصور میکنم این قسمتی که آقای شریعت زاده تذکر دادند بجای خودش صحیح است و لکن در این جا مناسب نیست ذکر شود برای اینکه این ماده در حقیقت يك ماده قانون مدنی است و متولی هم در

قانون مدنی پیش از این برایش شرح داده نشده است اگر متولی منصوص خائن شد ضم امین باو میشود حالا بعد از ضم امین چه خواهد شد قانون دیگری باید متکفل تعیین تکلیف این کار بشود و البته بعد از ثبوت خیانت و ضم امین دیگر اعتمادی باظهار او نیست این معنایش این است که هر چه امین بگوید باید متولی و آن ولی آن کار را بکند و البته مدعی العموم هم که يك نظارت کلی در این قبیل کارها دارد با اداره اوقاف در صورت بروز اختلاف بین امین و متولی البته قول آن امین را معتبر میدانند زیرا امین بمنزله نایب است در واقع نایب آن مقامات قانونی است این مطلب صحیح است ولی تصور میکنم جایز اینجانب است این ماده قانون مدنی است و اصولی است.

رئیس - آقای افسر

**افسر** - بنده راجع به قیوم قهری هم نظر داشتم یعنی قیومی که تعیین کرده باشند یا وصی که تعیین کرده باشند بنده نظر داشتم چون در قانون مدنی تصریح نشده در این موضوع هم آیا باید در اینجا ضم امین بکنند؟ حالا توضیح بفرمایند تا بنده قانع بشوم

**وزیر عدلیه** - در این مورد در قانون مدنی حکمش هست و آن این است که بعد از خیانت منحل میشود

رئیس - آقای طهرانچی

**طهرانچی** - بنده هم راجع به همین قسمت خواستم عرض کنم که قانونرا از نظر عمل باید در نظر گرفت که چه جور عملی میشود بنده عرض میکنم همان قسمتی که آقای شریعت زاده فرمودند یعنی اگر امین یا ولی موافقت نکرد چه میشود آقای وزیر عدلیه فرمودند که قول امین مناط است بسیار خوب اگر آن ولی یا قیوم قهری موافقت نکرد بعد چه خواهد شد کار صفر معطل میماند؟ امر صفر عبارت از داد و ستد است اگر معطل بماند ضررش بالاتر از آن خیانتی است که ولی که پدر یا جد است بکنند برای اینکه هر قدر دلسوز نباشد باز پدر است یا جد است ممکن است نسبتاً اعمال کار باشد ولی اینکه خیانت نسبت باولاد خودش بکند خیلی خیلی کم است به ندرت است

کار میکند و مراقبت دارد ولی تصدیق میکنم توسعه دادش بهتر است و برای آتیه هم این مطلب در نظر هست  
**رئیس** - آقای اورنگ  
**اورنگ** - موافقم  
**رئیس** - آقای افسر

**افسر** - عرض کنم در جواب فرمایش آقای میرزائی معلوم میشود توضیحات آقای وزیر عدلیه کاملاً قانعشان نکرد. از این جهت عرض میکنم این مسئله نظائری دارد. در وقف مخصوصاً موضوع بحث است که اگر يك واقعی نوشت و تصریح کرد که هیچ حاکم شرعی حق ندارد حساب اولاد من یا متولیان بعد را بخواد آیا واقفاً حاکم شرع حق دارد ضم امین کند یا خیر؟ اکثر علماء اینطور عقیده داشته و استدلالشان این است که این مطلب مطالبی نیست که با جمل و اوقف درست شود یعنی حکومت و نظارت شرعی بر اینها یا از مد نظر احکام طبیعی است یا از مد نظر احکام الهی است که خداوند مقرر کرده است میخواهد واقف بنویسد که در کار اولاد من مداخله نکنید یا بنویسد علی ای حال این حق ثابت است و حق مداخله دارند. و ما هم که قانون گذار هستیم و میخواهیم در مقابل جامعه برای خودمان حق قانون گذاری داشته باشیم و قوه مقتنه هستیم لازم است که قانونی بگذرانیم و دولت هم مراقبت کند که از تفریط مال صفر بکلی جلوگیری شده و محفوظ بماند. چه پدر صلح کرده باشد چه نائی ولو اینکه نوشته باشد در صلح نامه که کسی حق مداخله ندارد. این حق از حقوق شخصی نیست و مثل قانون اوقاف حکم شرعی است که اکثر علماء بان رفته اند و این حقی است از حقوق جامعه و حق شخصی نیست ولو هر چه نوشته باشد که هیچکس مثلاً حق رسیدگی بمال صفر را ندارد باز باید قانون گذرانند و نوشت که در موقع خیانت باید ضم امین کرد

رئیس - آقای اورنگ

**اورنگ** - موافقم

**رئیس** - موقع حرف زدن موافق است.

**اورنگ** - عرض ندارم

برای جلو گیری از يك تدریجی ما بیاوریم بر عکس آن نظری که داریم يك مشکلاتی پیدا کنیم که اگر از هزار یکی چنین موردی پیدا بشود آن را در نظر بگیریم و برای کثیر تولید زحمت و اشکال کنیم زیرا پیدا شدن اشخاص امین را هم که این امور را قبول کنند باید در نظر گرفت که قبول نکنند یا نکنند ما حالا قانون را تصویب میکنیم شاید در عمل پیدا نشد اشخاصی که قبول نکنند همه آنها را باید در نظر گرفت و الا البته حفظ مال صغیر خیلی خوب است و بر ذمه هر کس هست که مال صغیر را حفظ بکند و باید قوه مقننه وسایلی برای حفظ آن داشته باشد خواه آن مال بارت باور رسیده باشد یا بصلح مال صغیر که شد باید حفظ کرد ولی کاری نباید کرد که در عمل نتیجه عکس بگیریم که کار او اینقدر معطل بماند که بالاخره ضرر وارد بشود. دیگر اینکه خواستیم از آقای وزیر عدلیه استدعا کنیم يك وقتی هم بنده خاطر دارم که يك هم چو قانونی مطرح بود حالا بنده از موقع استفاده میکنم وعده فرمودند راجع به اشخاصی که نه قیم دارند نه ولی و معمول است که مدعی العموم تعیین قیم میکند و آنوقت هم فرمودند که این امر تا اندازه يك نریبانی دارد ولی کامل نیست و فرمودند که در این قسمت نظری خواهند فرمود و لایحه خواهند آورد و در همان اداره خودش هم نظری خواهند فرمود چون حالا مجال نمیکند که برسند از اس زیاد است يك صورتی می رود با آنجا ولی معطل بمانند مادر ها را میگذارند و مادر ها هم البته بعضی ها خوب هستند ولی بعضی ها هم هستند که تفریط میکنند و البته در این قسمت باید دقت بیشتری بشود بنده خواستم استدعا کنیم که توضیح بفرمایند که در این امر اقدامی فرموده اند یا خیر و حالا این قسمت چه حالی دارد؟

وزیر عدلیه - قسمت اخیری که فرمودند مورد توجه

و مطالعه است. اما در این قسمت که آیا امین هست یا نیست یا کسی قبول میکند یا نمیکند البته يك مشکلاتی هست ولی این را مانع تصویب قانون که نمیتوانیم قرار

بدهیم. مثلاً جایز است کسی که در عدلیه محاکمه دارد وکیل معین کند يك باب و موارد زیادی هم در قانون برای وکیل معین شده است ولی اگر کسی وکالت کسی را قبول نکند این را نمیتوان مانع از تصویب قانون قرار داد! باید قانون را نوشت البته این امر هست بعضی قبول می کنند بعضی قبول نمیکند شاید کم باشد زیاد باشد در هر صورت این ها مربوط بقانون نیست آنها مربوط به اخلاق مردم است باید يك اخلاقی در بعضی جا ها درست کرد.

رئیس - پیشنهادی از آقای شریعت زاده رسیده قرائت می شود

#### پیشنهاد آقای شریعت زاده

پیشنهاد میکنم جمله ذیل در آخر ماده اضافه شود: اگر ضمن اداره امور اموال سفار بین ولی قهری و امین اختلاف حاصل گردد نظر مدعی العموم بدایت قاطع اختلاف خواهد بود

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - حضرت آقای وزیر عدلیه فرمودند این

يك قسمتی است که باید در قانون مدنی تعیین تکلیفش بشود بنظر من همین ماده را که تصویب میکنیم یکی از مواد قانون مدنی است زیرا که راجع بسفار و اداره اموال او بایستی در قانون مدنی نوشته شود چون قانون مدنی ما تقریباً بطرف تکامل می رود احتیاجاتی را که داریم باید بتدریج تصویب کنیم بنابراین اگر در قانون مدنی ذکر از این مسئله نشده باشد دلیل عدم لزوم آن نیست ما دلیل بر آن نیست که ما حالا نمیتوانیم تکلیف این موضوع را تعیین کنیم در عمل خود آقای وزیر عدلیه بهتر از همه اطلاع دارند که پیش بینی اختلافات چیز مستبعدی نیست چیز معمولی است. هر جایی که دو نفر با هم يك مأموریتی را ایجاد انجام بدهند مخصوصاً در این موضوع بخصوص اختلاف قهری است و مخصوصاً نسبت به ولی قهری که بواسطه خیانت بر او امین گذاشته اند بنا بر این بنظر بنده حل این مطلب ضرورت دارد و اگر این مطلب را ما در اینجا تأمین نکنیم اصلاً

از این قانون نتیجه منظور حاصل نمیشود البته اصولاً ممکن است حالا اجتهاد کرد و استنباط کرد که در مورد این اختلاف نظر حاکم یعنی محکمه معین بشود اما نباید اجازه داد که مال صغیری که باید زود آموزش انجام شود مقدراتش بدست محکمه افتاده شود که حکم استیفاء و تیز دارد باین جهت چون مأموریتش خاص مدعی العموم حایف حقوق صغیر است بنده پیشنهاد کردم که در مورد بروز اختلاف نظر او قاطع باشد.

وزیر عدلیه - نظر بنده آنوقت این نبود که اصلاً

ذکر این مطلب لازم نیست ولی در اینجا مناسب نمیدانستم زیرا این بحث کلی است و در هر کجا امینی منضم میشود يك قیم متولی ولی قهری غیر قهری هر جا که اقتضا کرد امین هم بشود ممکن است اختلاف بشود در هر جا که دو قیم معین شد با واقف دو نفر متولی معین کرده باشد یا اینکه کسی دو قیم دارد جد و جدی با امین منضم است پس خیلی ممکن است و موارد خیلی زیاد که بین اشخاصی که ذی مدخلند در کار بر حسب قانون اختلاف میشود این باب علیحدده که راه حل اختلاف اینها چیست در این مورد بنظر بنده خیلی آسان است یعنی از روی نظر قضائی و آن این است که ولی قهری فرض امین با منضم میشود که خیانت او ثبت شود اگر خیانت او ثبت شد البته قول او چندان معنی نیست و حالا که این امین شهبه میشود برای چیست نه برای این است که جلو او را بگیرد و کارها

زمین بماند البته برای این است که او را نباید او را ملاحظه کند که او خیانت نکند و الا کار صغیر باید جریان داشته باشد و هیچوقت در این اختلافات هم نمیشود تجویز کرد که بیایند بروند به محکمه آنوقت باید چند صد محکمه بیش از آنچه داریم تأسیس کنیم برای اینگونه اختلافات و این بیشتر بنظر مدعی العموم است و مدعی العموم است که خودش تشخیص میدهد مطلب را و البته نظری بیشتر روی نظر امین می رود ولی معذکات موادی برای رفع اختلاف بین این قبیل اشخاص بطور کلی باید نوشته شود و چون این مسئله تقریباً جنبه نظامی دارد و از اصول قانون مدنی که این ماده از آنها محسوب است نیست بنظر بنده لزومی ندارد که در ضمن این قانون ذکر شود این بود که بنده مناسب ندانم اینجا ذکر شود و الا اساساً لازم است شریعت زاده - بنده نظر باینکه آقای وزیر عدلیه وعده دادند که قانونی پیشنهاد کنند مسترد میکنم.

رئیس - آقای بیکه ماده واحده را بوضعی که قرائت شد موافقت دارند قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد

[ ۵ - موقوع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه ]

رئیس - اگر اجازه میفرمائید جلسه را ختم کنیم جلسه آینده پنجشنبه ۸ آذرماه ۷۰ ساعت قبل از ظهر دستور توابع وزارت معارف

( مجلس ده دقیقه بعد از ظهر ختم شد )

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر



## قانون

### تکمیل قانون تصدیق انحصار وراثت

ماده واحده - در ماده ذیل بنظران ماده ۱۲ و ماده ۱۴ قانون تصدیق انحصار وراثت مصوب ۱۴ مه ماه ۱۳۰۹ اضافه میشود.

ماده ۱۳ - امین صالح یا حاکم بدایتی که وظیفه صلح را انجام میدهد در صورتیکه مدرک استظهار نامه بوده و صورت شود با اشخاص امضاء یا مهر به منتسب ابداً در نزد محکمه مشورم نیوده و با مفاد شهادت مجمل و مبهم باشد میتواند شهود را احضار کرده و شهادت آنان را استماع کند.

چنانچه شاهد در خارج از مقر محکمه ساکن باشد تحقیق از شاهد بوسیله محکمه عمل اقامت شاهد یا نزدیکترین محکمه عمل اقامت شاهد بعمل خواهد آمد.

در تصدیق انحصار وراثت امین صالح یا حاکم بدایت باید نسبتی را که مستدعی یا مستعین تصدیق با وراثت خود دارند و همچنین نسبت مهم الارث آنها را از متروکات به نحو اشته امین نماید.

ماده چهاردهم - هرگاه تقاضای تصدیق انحصار وراثت برای تقدیم اظهار نامه ثبت املاک و با بطور کلی مربوط به امور مذکور در ماده ۷ بعمل آید تقاضا کننده باید تصدیق از اداره ثبت مشور بر لزوم اثبات انحصار وراثت تحصیل کرده و به تقاضا نامه خود ضمیمه نماید.

در اینصورت امین صالح یا حاکم بدایت اعلان مذکور در ماده ۳ را اداره ثبت عمل ارسال میدارد تا جزء اعلانات ثبت منتشر شده و مخارج اعلان نیز مثل اعلانات ثبت محسوب گردد.

در مورد این ماده فقط نصف مخارج مذکور در ماده ۸ اخذ خواهد شد.

این قانون که مشتمل بر یک ماده است در جلسه اول آذر ماه یکهزار و سیصد و سیزده شمسی بمصوب مجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

## قانون

### راجع به خیانت ولی فوری

ماده واحده - ولی فوری ( پدر یا جد ) هرگاه در مقام ائلاف مال صغیر یا بجنون یا سفیه باشد بعد از ثبوت خیانت او نسبت به اموال مولی علیه بضرقت مدعی التوم در محکمه مثل مورد ماده ۷۹ قانون مدنی حاکم یک نفر امین به ولی منضم میکند.

این قانون که مشتمل بر یک ماده است در جلسه اول آذر ماه یکهزار و سیصد و سیزده شمسی بمصوب مجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر